

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته علوم قرآن و حدیث

عنوان

خرافه زدایی در سیره‌ی معصومان (علیهم السلام)

استاد راهنما

دکتر فتحیه فتاحی زاده

استاد مشاور

دکتر پروین بهار زاده

دانشجو

رقیه یوسفی

دی ماه سال ۱۳۸۷

تقدیم

این تحقیق را به محضر پیامبر اعظم (ص) و اهل بیت ایشان و تمام کسانی که در راه اعتلای پرچم اسلام و پیرایش آن از غبار اوهام و خرافات کوشیده‌اند، به ویژه استاد شهید «مرتضی مطهری» تقدیم می‌دارم. از خداوند بزرگ مسئلت می‌دارم که ما را نیز در زمره‌ی خدمتگزاران واقعی دین خود قرار دهد.

تشکر و قدردانی

از تمامی عزیزانی که در تدوین این نوشتار، بنده را یاری رسانده‌اند از استاد بسیار ارجمندم خانم دکتر فتاحی زاده و نیز استاد بزرگوارم خانم دکتر بهارزاده و بویژه از حمایت و همراهی‌های بی‌دریغ همسرم کمال تشکر و قدردانی را دارم.

چکیده

یکی از عوامل تغییر و تحریف ادیان آسمانی، ورود عناصر جعلی و خرافی به ساحت مقدس دین و بسط و گسترش آن در قالب آموزه‌های دینی بوده است. بطور کلی منظور از خرافه، پدیده‌ای است که هیچگاه مورد قبول عقل، شرع و علم نبوده اما در طول تاریخ، افکار بسیاری از انسانها را به انحراف کشانده است. زمینه‌ها و عوامل بسیاری از جمله علل روانی، شرایط اجتماعی و سیاسی و ... در پیدایش خرافات و رواج آن در بین جوامع دخیل بوده‌اند. خرافات را به لحاظ میزان پای بندی مردم به آنها می‌توان به دو دسته‌ی اعتقادی و اجتماعی تقسیم نمود.

اما پیرایش چهره‌ی دین از اوهام و خرافات و عرضه‌ی حقایق ناب اسلامی بر مردم، دغدغه و هدف همه‌ی دینداران واقعی و در رأس آنها معصومان (علیهم السلام) می‌باشد. از جمله راهکارهای معصومان (علیهم السلام) در مبارزه‌ی با خرافات، علاوه بر برخوردهای موردی با مصادیق آن، تلاش در جهت ارتقاء سطح فکری و علمی و نیز پرهیزدادن از زمینه‌های ابتلاء به خرافه از جمله تقلید کورکورانه و پندارگرایی و ... بوده است.

کلید واژه‌ها: خرافه - جعل - انحراف - خرافه زدایی - سیره - معصومان (علیهم السلام)

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

کلیات

تبیین مسئله‌ی پژوهش.....	۱
پرسشهای پژوهش.....	۱
اهداف پژوهش و ضرورت آن.....	۲
فرضیه‌های پژوهش.....	۲
پیشینه پژوهش.....	۲
درآمدی بر فصول.....	۳

فصل اول

معناشناسی خرافه و زمینه‌های پیدایش خرافات

۱-۱- معناشناسی خرافه.....	۶
۱-۱-۱- خرافه در لغت.....	۶
۱-۱-۲- خرافه در اصطلاح.....	۶
۱-۱-۳- ریشه‌یابی خرافات.....	۹
۱-۱-۴- گستره‌ی خرافات.....	۹
۲-۱- زمینه‌ها و عوامل پیدایش خرافات.....	۱۱
۲-۱-۱- عوامل اجتماعی.....	۱۱
۲-۱-۲- عوامل فرهنگی.....	۱۲
۲-۱-۲-۱- تقلید کورکورانه.....	۱۲
۲-۱-۲-۲- جهل.....	۱۳
۲-۱-۳- عوامل روانی.....	۱۳
۲-۱-۳-۱- ویژگیهای روح و نفس انسان.....	۱۳
۲-۱-۳-۲- ترس و اضطراب.....	۱۵
۲-۱-۳-۲-۱- بیماری.....	۱۶
۲-۱-۳-۲-۲- خیال‌پردازی.....	۱۶
۲-۱-۳-۲-۳- عدم درک مفهوم تضاد.....	۱۷
۲-۱-۳-۲-۴- تعصب.....	۱۸
۲-۱-۴- عوامل اخلاقی.....	۲۰
جمع بندی.....	۲۲

فصل دوم

انواع خرافات و شیوه‌های برخورد معصومان (علیهم السلام)

- ۲۴-۱-۲- بخش اول: خرافات اعتقادی ۲۴
- ۲۵-۱-۱-۲- بت پرستی ۲۵
- ۲۶-۱-۱-۱-۲- زمینه‌های گرایش به بت پرستی ۲۶
- ۲۷-۱-۱-۱-۲- جهل و نادانی ۲۷
- ۲۷-۱-۱-۱-۲- عدم تفکر و تعقل ۲۷
- ۲۸-۱-۱-۱-۲- تقلید کورکورانه ۲۸
- ۲۸-۱-۱-۲- مبارزه‌ی پیشوایان دین بابت بت پرستی و مظاهر آن ۲۸
- ۳۱-۱-۲- اعتقاد به حلول و تناسخ ۳۱
- ۳۱-۱-۲-۱- حلول ۳۱
- ۳۲-۱-۱-۲- علل اعتقاد به حلول ۳۲
- ۳۳-۱-۲-۱-۲- نفی حلول ۳۳
- ۳۴-۱-۲-۱-۲- تناسخ ۳۴
- ۳۵-۱-۲-۱-۲- پیشینه‌ی عقیده به تناسخ ۳۵
- ۳۶-۱-۲-۱-۲- انگیزه‌های گرایش به تناسخ ۳۶
- ۳۷-۱-۲-۱-۲- انگیزه‌های غلات ۳۷
- ۳۷-۱-۲-۱-۲- انگیزه‌های غیر غلات ۳۷
- ۳۸-۱-۲-۱-۲- ادله نفی تناسخ ۳۸
- ۴۲-۱-۲-۱-۲- نفی رابطه میان دو عقیده‌ی رجعت و تناسخ ۴۲
- ۴۵-۱-۲-۱-۲- اعتقاد به جبر ۴۵
- ۴۵-۱-۳-۱-۲- معنا شناسی قضا و قدر ۴۵
- ۴۷-۱-۲-۱-۲- زمینه‌های پیدایش تحریف در مفهوم قضا و قدر ۴۷
- ۴۷-۱-۲-۱-۲- عوامل روانی ۴۷
- ۴۸-۱-۲-۱-۲- عوامل اجتماعی ۴۸
- ۴۸-۱-۲-۱-۲- عوامل سیاسی ۴۸
- ۴۸-۱-۲-۱-۲- دلایل معتقدان به جبر ۴۸
- ۴۸-۱-۳-۱-۲- استشهاد به آیات قرآن ۴۸
- ۴۹-۱-۲-۱-۲- استناد به برخی روایات ۴۹
- ۵۰-۱-۲-۱-۲- وسوسه‌ی شیطان ۵۰
- ۵۱-۱-۲-۱-۲- جبر محیط ۵۱
- ۵۲-۱-۲-۱-۲- جبر وراثت ۵۲
- ۵۲-۱-۲-۱-۲- راه میانه در جبر و اختیار ۵۲
- ۵۴-۱-۲-۱-۲- دلایل نفی عقیده‌ی جبریون ۵۴
- ۵۴-۱-۲-۱-۲- اختیار انسان ۵۴
- ۵۵-۱-۲-۱-۲- عوامل تغییر سرنوشت ۵۵

۵۸ ۲-۱-۳-۶- مفهوم قضا و قدر در احادیث اسلامی
۶۱ ۲-۱-۴- اعتقاد به الوهیت افراد
۶۱ ۲-۱-۴-۱- اهل حق (علی‌اللهی‌ها)
۶۱ ۲-۱-۴-۱- شناخت اهل حق
۶۲ ۲-۱-۴-۳- تاریخ پیدایش «اهل حق»
۶۳ ۲-۱-۴-۴- عقاید اهل حق
۶۴ ۲-۱-۴-۵- موضع‌گیری معصومان(ع) در برابر عقاید غالبان
۶۴ ۲-۱-۴-۵-۱- ردّ عقاید غلات و بیان عقاید صحیح
۶۵ ۲-۱-۴-۵-۲- بیان علل غلو
۶۶ ۲-۱-۴-۵-۳- بیان نتایج غلو
۶۶ ۲-۱-۴-۵-۴- اعلام انزجار از غلات
۶۷ ۲-۱-۴-۵-۵- صدور فرمان قتل برخی غلات
۶۸ ۲-۱-۵- ادعاهای نیابت و مهدویت
۶۹ ۲-۱-۵-۱- ادعاهای نیابت
۶۹ ۲-۱-۵-۱- آغاز فعالیت مدعیان نیابت
۷۰ ۲-۱-۵-۲- مدعیان نیابت
۷۲ ۲-۱-۵-۳- دلایل ردّ ادعاهای مدعیان نیابت
۷۳ ۲-۱-۵-۲- مدعیان مهدویت
۷۴ ۲-۱-۵-۱- علل ادعاهای مهدویت
۷۴ - امید به برآورده شدن آرزوها
۷۴ - پیروزی بر دشمنان
۷۴ - بهره‌های مادی
۷۴ - پشتیبانی حکومتها از مدعیان
۷۵ ۲-۱-۵-۲- انواع گروههای مدعیان مهدویت
۷۹ ۲-۱-۵-۳- موضع‌گیری معصومان(ع) در برابر مدعیان
۸۱ جمع بندی
۸۴ ۲-۲- بخش دوم: خرافات اجتماعی
۸۵ ۲-۱-۲- تطیر (فال بد زدن)
۸۷ ۲-۱-۱- تفأل (فال خوب زدن)
۸۸ ۲-۱-۲- عطسه
۸۹ ۲-۱-۳- نفی طیره
۹۱ ۲-۲- خرافات در مورد زن
۹۱ ۲-۲-۱- زنده به گور کردن دختران
۹۴ ۲-۲-۲- عقد الرّتم (گره زدن شاخه‌های درخت)
۹۵ ۲-۲-۳- یالکاح! أبغی النکاح
۹۶ ۲-۲-۴- وضعیت اسف بار زن پس از مرگ شوهر

- ۱۰۰ ۳-۲-۲- اعتقاد به بخت و شانس
- ۱۰۱ ۱-۳-۲-۲- عوامل پیدایش اعتقاد به «بخت و شانس»
- ۱۰۱ ۱-۱-۳-۲-۲- تاثیر عقاید بر رفتار
- ۱۰۲ ۲-۱-۳-۲-۲- تلقین
- ۱۰۳ ۲-۳-۲-۲- دلایل نفی پدیده بخت و شانس
- ۱۰۳ ۱-۲-۳-۲-۲- اصل علیت
- ۱۰۵ ۲-۲-۳-۲-۲- نقش انسان در شکل گیری ناکامیها
- ۱۰۷ ۴-۲-۲- پیشگویی (طالع بینی)
- ۱۰۷ ۱-۴-۲-۲- عوامل گرایش افراد به طالع بینی
- ۱۰۷ ۱-۱-۴-۲-۲- کنجکاوای برای کسب اطلاع
- ۱۰۸ ۲-۱-۴-۲-۲- عدم مقابله با شکستها و ناکامی ها
- ۱۱۰ ۲-۴-۲-۲- آیا فال بین ها حقیقت را می گویند؟! ..
- ۱۱۳ ۳-۴-۲-۲- پیشینه ی سحر و جادوگری
- ۱۱۴ ۴-۴-۲-۲- حرمت سحر و جادو
- ۱۱۷ ۵-۴-۲-۲- چگونگی دست یابی فالگیری به مرتبه ی پیشگویی
- ۱۱۸ ۶-۴-۲-۲- رقاء (تعویذ)
- ۱۲۲ ۷-۴-۲-۲- چشم زخم
- ۱۲۷ ۵-۲-۲- سعد و نحس کواکب و ایام
- ۱۲۷ ۱-۵-۲-۲- سعد و نحس کواکب
- ۱۲۸ ۱-۱-۵-۲-۲- علم نجوم (هیأت)
- ۱۳۰ ۲-۱-۵-۲-۲- نجوم احکامی (فن تنجیم)
- ۱۳۰ - معنا شناسی تنجیم
- ۱۳۰ - تفاوت فن تنجیم با علم نجوم
- ۱۳۱ ۳-۱-۵-۲-۲- دلایل ردّ نجوم احکامی (تنجیم)
- ۱۳۱ - منجر شدن به شرک
- ۱۳۳ - دست نیافتنی بودن آن
- ۱۳۵ - مبتنی بودن بر حدس و گمان
- ۱۳۸ ۲-۵-۲-۲- سعد و نحس ایام
- ۱۳۸ ۱-۲-۵-۲-۲- تبیین مراد از سعادت و نحوست ایام
- ۱۴۰ ۲-۲-۵-۲-۲- عامل اعتقاد به سعد و نحس ایام
- ۱۴۰ - پیوند با حوادث مطلوب و نامطلوب
- ۱۴۱ ۳-۲-۵-۲-۲- ره آورد توجه به سعد و نحس ایام
- ۱۴۱ - تقویت روحیه توکل و استمداد از خداوند
- ۱۴۴ جمع بندی

فصل سوم راه‌های برون رفت از خرافه

- ۱-۳-۱- رابطه دین و خرافات ۱۴۸
- ۱-۳-۱- پیوند انسان با دیانت ۱۴۸
- ۱-۳-۲- ظهور خرافات در بستر دینی ۱۴۹
- ۱-۳-۳- تضاد بین دین و خرافات ۱۵۱
- ۱-۳-۴- نقش دین در زدودن خرافات ۱۵۳
- ۲-۳-۲- راهکارهای عمومی مقابله با خرافات ۱۵۳
- ۱-۲-۳-۱- روش شناسی صحیح اسلام ۱۵۳
- ۲-۲-۳- پیروی از سیره معصومان (علیهم السلام) ۱۵۶
- ۱-۲-۲-۳- نقش معصومان (علیهم السلام) در مبارزه با خرافات ۱۵۸
- ۳-۳-۳- راهکارهای کلی معصومان (علیهم السلام) در مقابله با خرافات ۱۶۰
- ۱-۳-۳-۱- تقویت قوه‌ی تعقل و تفکر ۱۶۰
- ۱-۳-۳-۱- حقیقت عقل ۱۶۰
- ۲-۳-۱-۳- نقش عقل در زدودن خرافات ۱۶۱
- ۱-۳-۳-۱-۲- عقل و حق‌گرایی محض ۱۶۱
- ۲-۳-۱-۳-۲- عقل و تولید فکر ۱۶۲
- ۳-۳-۱-۳-۲- عقل و کشف علوم ۱۶۴
- ۳-۳-۱-۳-۳- اسلام آیین خردورزی ۱۶۵
- ۴-۳-۱-۳-۳- رابطه علم و عقل ۱۶۴
- ۲-۳-۳-۲- پرهیز دادن از جهل‌گرایی ۱۶۶
- ۱-۲-۳-۳-۱- مفاهیم جهل ۱۶۶
- ۲-۳-۳-۲- جهل سرچشمه اشتباه در تشخیص ارزشها ۱۶۸
- ۳-۳-۲-۳- جهل و فریب ۱۷۰
- ۴-۳-۲-۳- جهل و اخلاق ناپسند ۱۷۰
- ۳-۳-۳-۳- ترغیب به دانش‌افزایی ۱۷۲
- ۱-۳-۳-۳-۱- ارزش علم در اسلام ۱۷۲
- ۲-۳-۳-۳-۲- نقش علم در زدودن خرافات ۱۷۳
- ۴-۳-۳-۳- تقوا پیشگی ۱۷۵
- ۱-۴-۳-۳- حقیقت تقوا ۱۷۵
- ۲-۴-۳-۳- نقش تقوا در زدودن خرافات ۱۷۵
- ۱-۲-۴-۳-۳- تقوا و تقویت عقل ۱۷۶
- ۲-۲-۴-۳-۳- تقوا و تشخیص حق و باطل (روشن بینی) ۱۷۷
- ۳-۲-۴-۳-۳- تقوا و رهایی از دام شیطان ۱۸۱
- ۴-۲-۴-۳-۳- تقوا و سنجیده‌گویی ۱۸۱
- ۵-۳-۳- واقع‌نگری و پرهیز از پندار‌گرایی ۱۸۳

۱۸۳ مفاهیم ظنّ ۱-۵-۳-۳
۱۸۳ حرمت پندارگرایی ۲-۵-۳-۳
۱۸۵ نقش پندارگرایی در ظهور خرافات ۳-۵-۳-۳
۱۸۵ پندارگرایی و بدعت در دین ۱-۳-۵-۳-۳
۱۸۶ پندارگرایی و تقویت شایعه‌ها: ۲-۳-۵-۳-۳
۱۸۶ پندارگرایی و سلب روحیه تحقیق ۳-۳-۵-۳-۳
۱۸۷ ۶ برهان طلبی ۶-۳-۳
۱۸۷ اسلام دین برهان ۱-۶-۳-۳
۱۸۹ نقش برهان طلبی در زدودن خرافات ۲-۶-۳-۳
۱۸۹ برهان طلبی و آشکار شدن ادعاهای باطل ۱-۲-۶-۳-۳
۱۹۰ برهان طلبی و سلب روحیه‌ی شخصیت‌گرایی ۲-۲-۶-۳-۳
۱۹۱ نفی تقلیدگرایی ۷-۳-۳
۱۹۱ دلایل تقلیدگرایی ۱-۷-۳-۳
۱۹۱ انواع تقلیدهای مذموم ۲-۷-۳-۳
۱۹۱ تقلید از نیاکان ۱-۲-۷-۳-۳
۱۹۳ تقلید از سران متکبر ۲-۲-۷-۳-۳
۱۹۴ تقلید از اکثریت ناآگاه ۳-۲-۷-۳-۳
۱۹۴ تقلید از جوامع پیشرفته ۴-۲-۷-۳-۳
۱۹۵ تقلید ممدوح ۳-۷-۳-۳
۱۹۶ جمع بندی
۱۹۹ منابع و مأخذ

کلیات

– تبیین مسئله‌ی پژوهش

خرافه یک باور فرهنگی- اجتماعی بوده و در تاریخ زندگی انسانها دارای سابقه‌ی دیرینه‌ای است و با توجه به تعاریف مختلفی که در حوزه‌های دینی و روان‌شناسی و ... شده است اصطلاحاً «به هر چیزی که علم و عقل و دین آن را تأیید نکند و مردم به آن معتقد بوده و از مخالفت با آن هراس داشته باشند گفته می‌شود». اعتقادات خرافی مختص به جوامع عقب مانده نیست بلکه در پیشرفته‌ترین جوامع نیز رواج دارد. در واقع خرافات توجیه عقلانی ندارند و شخص، روابط علی و معلولی بین دو چیزی برقرار می‌کند که هیچ‌گونه ربطی به هم ندارند. نتیجه‌ی چنین طرز استدلالی، دور شدن از تفکر صحیح و منطقی و افتادن در دام مغلطه و خیال‌پردازی است که چنانچه به حوزه‌ی اندیشه‌های دینی و اعتقادی وارد شود، آسیب‌های ناشی از آن گاه، جبران‌ناپذیر خواهد بود.

بنابراین خرافات مذهبی، بدترین نوع خرافات هستند و تفسیرها و تحلیل‌های نادرستی که دامن معرفت‌های دین را آلوده ساخته، از خطرناک‌ترین عوامل اضمحلال دین می‌باشند. اما بهترین راه چاره‌جویی، توسل به عملکرد پیشوایان دینی است و باید دانست که سیره‌ی معصومان (علیهم‌السلام) و شیوه‌ی برخورد ایشان در مبارزه با خرافه‌گرایی و باورهای خرافی مردم به چه نحوی بروز و ظهور داشته است؟ از آنجا که حقایق دین مبین اسلام تدریجاً در نظر مردم دگرگون شده و چه بسا علت دین‌گریزی گروهی از مردم تعلیمات غلطی باشد که به نام دین عرضه می‌شود، لذا خرافه‌زدایی از دامن فرهنگ دینی، یکی از رسالت‌های خطیر عالمان دینی است و اختصاص رساله‌ی حاضر به این موضوع، گام کوچکی در این راستا می‌باشد.

– پرسشهای پژوهش

الف: زمینه‌های پیدایش و رواج خرافات چیست؟

ب: اقسام خرافات کدامند و معصومان (علیهم‌السلام) در برخورد با هر یک از آنها چگونه عمل کرده‌اند؟

ج: راه‌های برون رفت از خرافه‌گرایی در آموزه‌های معصومان (علیهم‌السلام) کدامند؟

این سه سوال در واقع فصل‌های اصلی رساله حاضر را تشکیل می‌دهند و در هر فصل سعی شده است به تفضیل

در این موارد بحث و بررسی‌های لازم صورت گیرد.

– اهداف پژوهش و ضرورت آن

به دلیل راه یافتن عناصر جعلی و خرافی در حوزه‌های مختلف دینی، خواه از سوی دشمنان اسلام و خواه از جانب دوستان جاهل و ساده‌لوح، حقایق دین مبین اسلام در نظر برخی از مردم تدریجاً دچار تغییر و تبدیل شده و موجبات شبهه و اعتراض و نهایتاً دین‌گریزی برخی جوانان را فراهم کرده است. شفاف‌سازی و زدودن پرده‌های اوهام و خرافات از چهره آموزی‌های دینی و آشنا نمودن مردم با حقایق ناب اسلام، از مهمترین رسالت پژوهشگران علوم اسلامی است. این پایان‌نامه به دلیل احساس چنین ضرورتی و در راستای رسیدن به این هدف شکل گرفته است.

– فرضیه‌های پژوهش

الف) تمایل به افسانه‌پردازی و قهرمان‌پروری، تقلید کورکورانه، جهل نسبت به علل وقوع امور طبیعی (منطق‌گریزی)، عدم عدالت اجتماعی و ... از جمله زمینه‌های پیدایش خرافات می‌باشند.

ب) خرافات را می‌توان به طور کلی در دو بخش بررسی کرد:

– خرافات اعتقادی مثل بت‌پرستی، تناسخ، تقدس بخشیدن به افراد و ...

– خرافات مربوط به آداب و عادات اجتماعی از قبیل فال بد زدن، اعتقاد به شانس و بخت در امور زندگی، نحس دانستن ایام و ... و معصومان (علیهم‌السلام) از طریق اصلاح روابط پدیده‌ها و نفی پندار و پرهیز دادن از نمودهای خرافه و ... همواره مردم را از افتادن به تحریفات و گزافه‌گویی جاهلان برحذر می‌داشتند.

– پیشینه پژوهش

موضوع مورد نظر عملاً در هیچ کتاب یا پایان‌نامه‌ای کار نشده است و تنها «ابراهیم بهرامی آهنگر محله» در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان «جریان‌شناسی اساطیر و خرافات در جامعه‌ی دینی، ۱۳۸۲»، دانشکده‌ی اصول دین قم» که در شش فصل تنظیم شده به بررسی بحث خرافات در جامعه‌ی دینی پرداخته است. هر چند که در برخی قسمت‌ها از جمله زمینه‌های پیدایش و راه‌های مبارزه با خرافات، با موضوع مورد تحقیق مشابهت دارد، اما به این مسائل به طور خلاصه و گذرا پرداخته و محور اصلی رساله، جریان‌شناسی خرافات است نه بررسی سیره‌ی معصومان (علیهم‌السلام). در بین مقالات نیز «قرآن و خرافه باوری» از مجله‌ی پژوهش‌های قرآنی توسط «سید حیدر علوی نژاد، ۱۳۸۳، مجله‌ی پژوهش‌های قرآنی» نوشته شده است که در این مقاله، تکیه‌ی اصلی بر روی استنادات روان‌شناسان غربی است و به ندرت به روایتی اشاره رفته است. اما دامنه‌ی کار و تفحص در سنت و روایات بسیار گسترده است و تا آنجا که در میان منابع و مآخذ جستجو شده، پیشینه‌ای برای بررسی روایات به طور اختصاصی یافت نشد.

درآمدی بر فصول

یکی از مسائلی که از سالیان دور همواره با انسان بوده و جزء لاینفک زندگی وی به شمار می‌آمده است، افکار و اندیشه‌هایی بوده که یا در مجرای زمان از نیاکان خود به ارث برده و یا بسته به مقتضیان زمان و در بستر تحولات پیرامون خود، ذهن فعال و پویای وی آنها را ساخته و پرداخته است.

به طور کلی افکار و اندیشه‌ها، نقش تعیین کننده‌ای را در زندگی انسانها ایفا می‌کنند چرا که پشتوانه‌ی اعمال انسان بوده و از این طریق منشاء اثرات گوناگون می‌باشند. حقیقت این است که انسان در طول تاریخ از هجوم افکار کاذب و خرافی در امان نبوده بلکه همواره افکار و اعمال موهوم و بی‌پایه در لابه لای زندگی وی به چشم خورده است. افکاری که هیچ دلیل عقلی و شرعی بر اثبات حقانیت آنها موجود نبوده است.

گفتنی است که خرافات در طول تاریخ خسارات فراوانی را به جامعه‌ی بشریت وارد ساخته است. مهمترین این خسارتهای، تضعیف بزرگترین سرمایه‌ی انسان یعنی عقل و قدرت تفکر او بوده است. شخص خرافی همواره از برقراری رابطه‌ی صحیح و عقلانی بین پدیده‌ها عاجز بوده و ناچار برای تشخیص امور از قوه‌ی وهمیه‌ی خود بهره جسته است. نتیجه‌ی چنین طرز فکری، خاموشی نور حقیقت در اثنای صفحات تاریخ و تقویت ابزار سودجویان و جاه طلبان در رام کردن اذهان ساده لوحان بوده است. اما خطر خرافات در حوزه‌ی مذهب و معارف دینی به مراتب بیشتر است و هیچ یک از ادیان از آسیب‌های خرافات در امان نبوده‌اند. مهمترین دستاورد تلخ خرافات در این بخش، دین‌گریزی و یا بی‌تفاوتی نسبت به آموزه‌های دینی است و به همین جهت خرافه زدایی از دامن فرهنگ دین از بزرگترین رسالت انبیاء و پیشوایان دینی بوده است و در حال حاضر نیز که با وجود پیشرفت علم، هنوز مبتلا به آراء خرافی هستیم، چنین وظیفه‌ای بر دوش عالمان و دلسوزان جامعه‌ی انسانی است که با آگاهی بخشی در این زمینه بتوانند اذهان مردمان را بیدار کنند. تحقیق حاضر با این هدف و در راستای شناسایی مهمترین موارد خرافات در عصر حاضر و نیز شناسایی راهکارهای معصومان(علیهم السلام) در مبارزه‌ی با این خرافات شکل گرفته است.

این تحقیق در سه فصل تدوین شده است. فصل اول به بررسی معناشناسی «خرافه» و نیز زمینه‌های پیدایش خرافات می‌پردازد. مهمترین زمینه‌های مورد بررسی در این بخش عبارتند از: عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی (تقلید کور کورانه-جهل)، عوامل روانی (ترس و اضطراب، بیماری- خیال پردازی) و عوامل اخلاقی (هوای نفس).

در فصل دوم، انواع خرافات در دو بخش: خرافات اعتقادی و خرافات اجتماعی بررسی شده است. در بخش اعتقادی، پنج مسلک اعتقادی (بت پرستی، حلول و تناسخ، جبرگرایی، اهل حق (علی‌اللهی) و ادعاهای دروغین نیابت و مهدویت) مد نظر بوده است. علت انتخاب این گروه‌های پنجگانه از میان ده‌ها فرقه و مسلک انحرافی، توجه به دو عامل: هماهنگی با مقتضیات جامعه‌ی کنونی و حضور این فرقه‌ها در عصر حاضر و نیز توجه به محوریت روایی

کار بوده است. در بخش خرافات اجتماعی نیز به پنج مورد: «تطیر (فال بد زدن)، بخت و شانس، خرافات در مورد زن، پیشگویی (طالع بینی) و سعد و نحس ایام (تاثیر اجرام)» اشاره شده است.

بررسی روش پیشوایان دین و معصومان (علیهم السلام) در این تحقیق بر دو گونه است. در فصل دوم بعد از معرفی و بحث پیرامون هر یک از نمودهای خرافی، راهکارهای معصومان (علیهم السلام) نیز در پایان آورده شده است که به صورت موردی و در خصوص همان خرافه خاص می باشد. در فصل سوم به بیان شیوه های عمومی ایشان از جمله (دعوت به تقوای پیشگی، واقع نگری، دانش افزایی، تعقل و تفکر و برهان طلبی) پرداخته شده است.

گفتنی است که برای موضوع مورد بررسی، پیشینه مستقل و قابل توجهی یافت نشد و تحقیقاتی که در رابطه با موضوع خرافات انجام شده است تنها در بخشی از جزئیات، با این موضوع دارای اشتراکاتی است.

فصل اول

معناشناسی خرافه و زمینه‌های پیدایش خرافات

۱-۱-۱- معناسنی خرافه

۱-۱-۱- خرافه در لغت

خرافه از «خرف» که در اصل به دو معنا است: (۱) چیدن شیءِ اخترفَتُ الثمرة: میوه را چیدم. خریف: فصلی که در آن میوه‌ها چیده می‌شود (پاییز) و (۲) راه و طریق.^۱

همچنین «خرف» به معنای فساد عقل در اثر تکبر است. «خرف»، خرف: خرف شد، در اثر پیری دچار کم‌عقلی شد.^۲ الخرف: کم‌عقل.^۳

خرافه که جمع آن خرافات است به معنای سخن سرشار از دروغ^۴، سخن یاوه و خنده آور، حرف ناحق و باطل^۵ آمده است.

ابن کلبی درباره‌ی وجه تسمیه‌ی خرافه به این نام نقل کرده که «خرافه» نام شخصی از قبیله‌ی بنی‌عذره یا جهینه بود که جنّ او را ربوده بود و وقتی به سوی قوم خود بازگشت، سخنانی از آنچه دیده بود نقل می‌کرد که باعث تعجب و حیرت مردم می‌شد لذا مردم او را تکذیب کردند و حکایت وی بر سر زبانها افتاد و از آن به بعد به سخنان یاوه و بی‌اساس، حدیث خرافه می‌گفتند.^۶ از پیامبر (ص) نقل شده که داستان خرافه حق بود.^۷

۱-۱-۲- خرافه در اصطلاح

به طور کلی می‌توان گفت گرایش به خرافه، یک پدیده‌ی روحی-اجتماعی است و «خرافه» در طول تاریخ همواره ذهن و اندیشه‌ی انسانها را تسخیر نموده و عملاً طرز فکر و تلقی آنها را درباره‌ی محیط و امور زندگی تحت تاثیر خود قرار داده است.

در این میان برای ارائه‌ی تعریفی صحیح و جامع از خرافات با مشکل مواجه می‌شویم و این دشواری به دلیل تنوع در سطح فرهنگ‌ها و باورهای موجود در جوامع مختلف است. افراد بی‌دین، دینداران را خرافاتی می‌پندارند در حالیکه دیندارها معتقدند که انسانهای بی‌دین فرسنگها از حقیقت دور افتاده‌اند و باز هر دو گروه در درون خود به فرقه‌ها و شعبه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند که هر کدام دیگری را به داشتن عقاید باطل و خرافی متهم می‌کنند

۱- ابن زکریا، احمد بن فارس؛ معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، مکتب الأعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ هـ. ق، ج ۲، ص ۱۷۱.

۲- الطریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین، تحقیق احمد حسینی، الطبعة الثانیة، المکتبه المرتضویة لإحیاء آثار الجعفریة، طهران، ۱۳۹۵ هـ. ق، ج ۵، ص ۴۳.

۳- المنجد فی اللغة و الأعلام، چاپ ۳۳، دارالمشرق، بیروت، ۱۹۹۲ م، ص ۱۷۵.

۴- ابن منظور، محمد بن مکرّم؛ لسان العرب، نشر أدب الحوزة، قم، ۱۳۶۳ هـ. ش، ج ۹، ص ۶۵.

۵- المنجد، ص ۱۷۵.

۶- ابن منظور؛ لسان العرب، ج ۹، ص ۶۶.

۷- همان.

وجود چنین حقایقی در جوامع بشری، محققان و متخصصان امر را به تلاش واداشته است تا هر کدام برای نزدیک شدن به تعریفی جامع از خرافه، نظرات مختلفی را ارائه دهند.

یکی از نویسندگان می‌گوید: «به نظر می‌رسد تعیین هدف در بررسی خرافات، کارشناخت خرافات را آسان تر خواهد کرد. مثلاً اگر ما به عنوان مسلمان برای پیرایش عقاید، فرهنگ و اجتماع خویش از خرافات، درباره‌ی خرافات تحقیق کنیم برای ما بسیار آسان خواهد بود که خرافی بودن یک عقیده مانند باور به قربانی شدن مسیح، با یک سنت یا یک عنصر فرهنگی را شناسایی کنیم و درباره‌ی آن اظهار نظر کنیم. تعریف خرافه نیز با این نقطه نظر آسان تر خواهد بود با اینکه همان باور ممکن است در مسیحیت خرافه پنداشته نشود. در اینجا منظور از خرافی بودن آن، این است که چنین باوری نه در فرهنگ تشیع جا دارد و نه معقول است که شخص بی‌گناهی، قربانی جنایات دیگران شود... در چنین بررسی در واقع هدف این خواهد بود که این باور در مذهب تشیع و منطق قرآنی نمی‌گنجد. با این نگاه به راحتی می‌توان گفت چه چیزی خرافی است و چه چیزی خرافی نیست^۱». «گوستا و جاهودا» تعاریف صورت گرفته حول محور موضوع خرافه را چنین بررسی می‌کند:

«در واژه نامه‌ها چنین می‌خوانیم: «هر نوع عقیده یا عمل دینی نامعقول». همین جا فوراً این سوال پیش می‌آید که چه کسی تعیین می‌کند که عقیده‌ی معینی نامعقول است یا معقول؟ مشکل اینجاست که دین این یکی، از دیدگاه آن یکی «خرافه» محسوب می‌شود... اما سلسله تعاریف دیگری هم هست: «وحشت غیر منطقی یا ترس از یک چیز ناشناخته‌ی مرموز و خیالی، یک عقیده، تردید یا عادت و امثال آن که ریشه در ترس یا جهل دارد، به نظر می‌رسد که در اینجا به اصل مطلب نزدیکتر شده ایم و نخستین چیزی که توجه ما را به خود جلب می‌کند اشاره به یک عنصر هیجانی است. این یکی از ویژگیهای اساسی هر آن چیزی است که «خرافات» می‌نامیم. تعریفی که در اینجا مطرح است صرفاً این واقعیت را بیان می‌کند که لغت «خرافات» معنای بسیار تحقیرآمیزی دارد. معدود کسانی حاضر می‌شوند اعتراف کنند که یک فرد خرافی هستند. در جامعه‌ی معاصر ما افرادی که عقایدی خلاف عقاید مورد قبول اکثریت مردم دارند، سعی می‌کنند این عقاید را در لفافی از کلماتی که بار معنایی مثبت دارند بپیچند و آنها را «معرفت قدیم»، «حکمت شرق» «علوم غیبی» و جز اینها بنامند. این افراد اغلب خود را یک اقلیت روشن‌بین می‌دانند و از اینکه کسی آنها را خرافی بنامد رنجیده خاطر می‌شوند.»^۲

برخی نیز معیار تشخیص خرافه را عدم تناسب و هماهنگی میان عقیده‌ی شخص خرافی با سطح فرهنگ و تمدن جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند می‌دانند. یکی از نویسندگان در این باره می‌گوید: پس صحیح است که

۱ - علوی نژاد، حیدر؛ «قرآن و خرافه باوری»، پژوهشهای قرآنی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شماره ۳۷ و ۳۸، ۱۳۸۳ هـ.ش.

۲ - جاهودا، گوستاو؛ روان شناسی خرافات، ترجمه محمد تقی براهنی، چاپ سوم، نشر البرز، تهران، ۱۳۷۱، هـ.ش، ص ۶-۴.

بگوئیم خرافه پرستی عبارت است از پیروی عقاید باطل بی اساس که با درجه‌ی فرهنگ و دانش جامعه‌ای که شخص خرافی منسوب بدانست هیچگونه تناسب نداشته باشد یا به طور کل خرافات را عبارت بدانیم از عقاید باطل و بی اساس که به کلی خلاف عقل و برهان باشد. ولی نکته‌ی قابل تأمل این است که خرافه تنها نسبت به درجه فهم و بصیرت بشر می‌تواند وجود داشته باشد و چه بسا مسائلی که به نظر ما از قبیل خرافات است ولی در دوره‌های قدیم به واسطه‌ی محدود بودن علم بشر، معقول و مقبول بوده است. مثلاً عقیده به اینکه شکستن آینه شگون بد دارد، اکنون به نظر ما عقیده‌ای بی اساس و خرافی است ولی در روزگار قدیم مردم تصور می‌کردند شکل و سایه و عکس انسان، قرین یا جزء روح انسان است. پس چون شکستن آینه نقش انسان را باطل می‌کند در واقع روح از آن صدمه می‌بیند و با این مقدمه عقیده بد شگون بودن شکستن آینه را نمی‌توان خرافی نامید بلکه عقیده‌ای بوده [بظاهر] منطقی [اما بی پایه] نهایتاً مقدمه این عقیده یعنی قرینه یا جزء روح منظور داشتن عکس تن انسان غلط بوده است. اما در این عصر که نور علم اینگونه تاریکی‌ها را روشن کرده و افکار نسبت به جسم و روح واضحتر و معقول تر گردیده، اگر هنوز کسانی در میان اقوام متمدن و جوامع پیدا شوند که در شکستن آینه همان خیال بدشگونی را بکنند، می‌توان آنها را خرافی نامید.^۱

دیدگاه دیگری که به نظر می‌رسد اجزای اساسی یک عقیده‌ی خرافی را در خود دارد، خرافه را چنین تعریف می‌کند: «هر چیزی که علم، عقل و دین آن را تأیید نکند و مردم به آن معتقد بوده و طبق آن عمل کنند و از مخالفت با آن هراس داشته باشند خرافه است».^۲ این تعریف جامعی است که هر کس با هر مذهب و مسلکی که باشد می‌تواند آن را بپذیرد. بنابراین بر طبق تعریف فوق، اساس تشکیل «خرافه» در همین نکته است: برقراری رابطه علی و معلولی میان دو چیزی که به لحاظ عقلی و شرعی و نیز یافته‌های علمی هیچ ربطی به هم ندارند بلکه عوامل دیگر غیر از تراوشهای ذهنی شخص خرافی در پیدایش آنها دخیل بوده‌اند که از دید شخص پنهان مانده‌اند.

با مطالعه‌ی تاریخ و بررسی سرگذشت نامه‌ها، اعتقادات و باورها می‌توان دریافت که هر پدیده‌ای دارای یک ریشه و مبنای حقیقی است. حقیقتی که در مراحل بعد دچار تحریف و تغییر گشته است و گاهی این ریشه در زیر و پیرایه‌ها آنچنان رنگ می‌بازد که دیگر چیزی از اصل آن دیده نمی‌شود و آنچه باقی می‌ماند تبدیل به یک دروغ می‌شود. بنابراین هر حقیقتی در گذر زمان در معرض خطر تبدیل به یک خرافه است. خرافاتی که توسط اقوام و ملل مختلف و به خصوص از مجرای دریافتهای عوامانه، به ادیان آسمانی نسبت داده شد و شعبه‌ها و فرقه‌های متفاوتی از یک دین را پدید آورد، از این زمره هستند.

۱ - پاک دامن، محمد حسن؛ جامعه در قبال خرافات، چاپ اول، نشر مرندیز، مشهد، ۱۳۷۸ هـ.ش، ص ۳۸-۳۷.

۲ - علوی نژاد؛ «قرآن و خرافه باوری»، ص ۲۵۲.

۱-۱-۳- ریشه یابی خرافات

هیچ کس به طور دقیق منشاء و سرچشمه‌ی اصلی خرافات را نمی‌شناسد اما افسانه پردازی و تمایل به قهرمان پروری و اعتقاد یافتن به نیروی خارق العاده‌ی برخی امور و وقایع تقریباً در تمامی جوامع مشاهده و قابل ردیابی است. اندیشه‌ی خرافی گاه در طول تاریخ سینه به سینه و نسل به نسل منتقل می‌شود در فرهنگ ما نیز برخی نمودهای خرافه به گونه‌ای نهادینه شده است که کمتر کسی در مورد حقانیت آن دچار تردید می‌شود مثل نحس بودن عدد سیزده، روشن کردن آتش در مراسم چهارشنبه‌ی آخرسال و ... این خرافات در فرهنگ ایرانی ریشه‌ی تاریخی و شاید هزاران ساله دارد و گاه به عنوان یک اصل مسلم پذیرفته می‌شود. لذا می‌توان گفت: خرافات در تمامی فرهنگها از موقعیت تاریخی برخوردار است و خرافاتی که امروزه در فرهنگهای مختلف با آنها مواجه می‌شویم در واقع یادگاری است از سالهای گذشته به نسل امروزی.

۱-۱-۴- گستره‌ی خرافات

برخی بر این باورند که خرافات منوط به قشر یا طبقه‌ی خاصی نیست. و به نژاد خاصی محدود نمی‌شود همه به گونه‌ای گرفتار خرافات هستند «مردمان جهان را نمی‌توان به دو گروه خرافی و روشنفکر تقسیم کرد بلکه فقط می‌توان گفت که آنها به طور کلی بیشتر یا کمتر خرافی هستند»^۱ نیز عواملی که باعث ایجاد خرافات می‌شوند در فرهنگها و جوامع مختلف به یک منوال نیست. بلکه بسته به شرایط زندگی افراد و نوع تحولات محیط و فرهنگ حاکم بر جامعه، شکل و محتوای خرافات نیز متفاوت خواهد بود. و می‌دانیم که اثراتی از خرافات عصر قدیم در زندگی امروزه‌ی انسانها ظهور و بروز دارد و این خود شاهدی است بر این مدعا که خرافات از لحاظ زمان و مکان محدود نیستند و به عنوان نمونه خرافاتی که در دوره‌های مختلف تاریخی در بین اقوام و ملل مختلف رواج داشته است، هرگز قابل گنجاندن در یک صد کتاب قطور نخواهد بود.

یکی از علل گسترده‌ی دامنه‌ی خرافات در بین جوامع و فرهنگهای مختلف، وجود اشتراک در خصیصه‌ها و تمایلات روحی انسانها است. علامه طباطبایی در این زمینه می‌فرماید: «انسان همواره وسوسه‌ی کشف آینده را داشته است و طبعاً این احساس وسوسه، بدون مرز خواهد بود و انسان علی‌رغم برخوردارگی از فرهنگی متمایز با سایر فرهنگها، از نظر احساسی، دارای وجوهی مشترک با سایر هم‌نوعان خویش است. و این در حالی است که برخی

۱ - جاهودا؛ روانشناسی خرافات، ص ۵۹.